

فرار کنند. افتتاح کلاس قضائی بهترین دلیل این مدعاست. البته خود آقایان رؤسای معارف بهتر می دانند که معلمین مدارس مخصوصاً مدارس ابتدائی چگونه باین کلاس هجوم آوردند چرا؟ برای اینکه تصور کردند برای تبدیل شغل معلمی بشغل دیگر راهی پیدا شده است (تقدم)

## ایمان و عقیده

هیچ امر بزرگ و کوچکی در دنیا انجام نمیگیرد جز در سایه ایمان و عقیده. مثلاً آن سرباز یا صاحبمنصب شجاعی که برای دفاع از وطن جان گرامی را کف دست میگذارد و داو طلبانه برای حمله بدشمن پیشقدم میگردد و ملتی را از اسارت و بندگی نجات میدهد فقط بواسطه ایمانی است که به آزادی و استقلال وطن خویش دارد. و آن مخترعی که سالهای متمادی مغز خود را خسته مینماید و با فلاکت و تنگدستی میسازد تا موفق به آن اختراع گردد فقط بواسطه ایمان و عقیده ایست که به آن کار دارد و آن دانشمند بزرگی که عمر گرانمایه را برای تحقیق یک مسئله علمی یا تألیف یک کتاب مفید صرف مینماید جز ایمان و عقیده ای که بنشر علم و خدمت بجامعه انسانیت یا بقوم و ملت خویش دارد چیز دیگر او را بتحمل آنهمه زحمت و تبع و اذار نمی نماید. همانطور آن متمولی که قسمتی از مال خویش بخیرات و مبرات یا برای تکمیل قوای دفاعیه مملکت تخصیص می دهد جز ایمان به نیکو کاری یا بوطن و ملیت چیز دیگر نمی تواند او را وادار باین بذل و بخشش بنماید

وقتی که تاریخ جهان را بنظر می آوریم می بینیم تنها آن ملتی توانسته است که در مقابل حوادث روزگار ثابت و پایدار بماند و بر دیگران نیز سیادت و فرمانروائی کند که نور ایمان در قلوب افرادش مشتعل بوده و جان فشانی در راه عقیده سهل و آسان میشمرده اند ملت روم تا موقعی توانست که بر نصف دنیای امروز حکومت کند که فرد فرد ملت روم بعظمت و اقتدار روم ایمان داشتند و در فداکاری در راه این عظمت بر همدیگر

سبقت می گرفتند. و همینکه بواسطه عیاشی و تن پروری خود خواهی جای ایمان و عقیده گرفت کار بجائی کشید که يك عده از قبایل وحشی نژاد ژرمن آن مملکت کهن سال را لگدمال سم ستوران خویش نمودند.

ملت متشتت و بی یرنسیب و فقیر عرب موقعی توانست جهانی را مستخر خویش نماید که از پرتو دین حنیف اسلام دارای ایمان و عقیده شده و در راه پیشرفت عقیده جانفشانی مینمود و همینکه ایمان و عقیده مبدل بخود خواهی گردید بهمان نشئت اولیه برگشته و مانند قبل از اسلام محکوم دیگران شدند.

ملت غیور لهستان که دول ثلاثه روس و اطریش و آلمان برادرانه مملکتش را بین خود تقسیم نمودند. با آنها سعی و مجاهداتی که دولت های سه گانه برای محو قومیت لهستانی ها مبدول داشتند فقط در سایه ایمان و عقیده ای که وطن پرستان آن سر زمین بوطن و استقلال و ملیت خود داشتند موفق بحفظ آداب و رسوم ملیت خود گشته تا آنکه پس از صد و پنجاه سال اسارت و بندگی دوباره به آزادی و استقلال نایل شدند. اعمال وفدا کاربهای لهستانی ها باید تا ابد سر مشق وطن پرستان جهان باشد. زیرا دول مزبوره بحدی برای محو آثار ملی آنها کوشیدند که اگر يك ملت سست عنصر و بی ایمانی بجای آنها بود امروز اسمی از آن در صفحه روزگار نمانده بود (۱).

۶۶۲

(۱) آغاز بدبختی لهستان از سال ۱۷۷۱ شروع گردید که دول سه گانه برای تقسیم مملکت مزبور تباہی نمودند و در سال ۱۷۷۲ در معاهده سان پترزبرگ تباہی مزبور بصورت معاهده در آوردند که هر کدام قسمتی از مملکت مزبور تصرف نمایند و لذا آلمان يك قسمت از لهستان بزرگ و بومیرانی و دانزبج متصرف گردید و باین واسطه مصب رودخانه فستول بتصرف او درآمد. و اطریش کلیسیا را قبضه نمود. روسیه. لیفونی و قسمتی از لیتوانی بحیطه تصرف در آورده یعنی يك ثلث کلیه لهستان را از آن مجزا ساختند ملت لهستان پس از این ضربت هوشیار گشته شروع باصلاح اوضاع قشون و تاسیس مدارس نمودند و پروگرام مدارس را کاملاً اصلاح کردند، اغنیاء و متولین آن مملکت قسمت زیادی از ثروت خود بمعارف و قشون بخشیدند و اول وزارت معارفی در اروپا در سال ۱۷۷۳ در لهستان تشکیل گردید و پارلمان آنها « دیت » شب و روز برای اصلاح می کوشید و بهترین

انقلاب کبیر فرانسه که اوضاع دنیا را دگرگون ساخت و حقوق بشریت را اعلام نمود فقط در سایه ایمان و عقیده آزادی خواهان آن سر زمین صورت گرفت.

فداکاریهای اهالی آذربایجان در مقابل قشون های جرار سلاطین آل عثمان جز ایمان قوی دلاوران آن سر زمین بایرانی بودن هیچ باعث دیگری نداشته است (۱).

خلاصه تاثیر ایمان و عقیده بحدی است که پیوسته يك عده قلیلی با ایمان بر جمع زیاد بی عقیده ای غالب آمده اند  
 بشهادت مطلعین در موقع انقلاب روسیه عده حزب کمونیست از تمام احزاب و دسته ها کمتر بود ولی چون سایر دسته ها دارای ایمان

قانونی که از قانون فرانسه و امریکا و انگلیس اقتباس کرده بودند بتصویب پارلمان رسید دول تلاته از این اصلاحات ترسیده لذا روسیه و یروس بدان اعلان جنگ داده و پس از جنگهای زیاد و فداکاریهای حیرت انگیزی که لهستانیها از خود بروز دادند و تلفات زیادی بر دشمن وارد و بالاخره چون اطیش هم شرکت نمود لهستانیها مغلوب گشته و در سال ۱۷۹۵ بقیه الباقیه آن مملکت را تقسیم نمودند و باستقلالش خاتمه دادند لکن لهستانیهای وطن پرست با ایمان دست از مجاهده بر نداشته و هر قدر روسیه زعماء آنها را بدار زد و هر اندازه آنها را بسیریه تبعید نمود آنها دست از طلب حق برنداشتند تا آنکه در جنگ عمومی پس از ۱۵۰ سال استقلال خود را پس گرفتند

(۱) سلطان سلیم عثمانی در سال ۹۲۰ هجری پس از جنگ چالدران تبریز را مسخر نمود ولی همینکه بر کشت دلاوران آذربایجان شوریده تمام قشون ساخلوی شهر را از دم تیغ کتراشیدند. سلطان سلیم خود با تمام موفق نگردید ولی پسرش سلطان سلیمان در سال ۹۵۱ قشونی بسر کردگی ابراهیم پاشا فرمانده کل قشون عثمانی مامور فتح تبریز نمود و خود سلطان در ۹۴۲ به تبریز آمده قلعه ای بس منبع در کنار شهر بساخت و چهار هزار نفر سرباز با سیصد و پنجاه توب به محافظت آن قلعه بر گماشت همینکه سلطان بر کشت اهالی تبریز بر عثمانیان شوریده قلعه ویران و قلعه کیان را مقتول ساخته مجددا ابراهیم پاشا برای فتح تبریز آمده پس از سه سال محاصره در ۹۵۵ تبریز را مسخر نموده در زمان سلطان مراد ثالث باز اهالی تبریز شوریده قشون ساخلوشهر که بیش از ده هزار نفر بود همه را نابود ساخته سلطان مراد عثمان پاشا صدر اعظم را مامور تنبیه تبریزیان نمود و در ۹۹۴ بتبریز درآمد و تا زمان شاه عباس تبریز در دست آنها بماند که باز بهمت و شجاعت تبریزیان قشون عثمانی را یایمال و شهر بتصرف شاه عباس درآمد

و عقیده ای نبودند که در راه پیشرفت آن جان فشانی کنند مغلوب اقلیت با ایمان واقع شدند . بعد از جنگ عمومی که اوضاع المان بی اندازه وحشت ناک بود و بیم انحلال و وحدت آلمان میرفت یکمده با عقیده و با ایمان یعنی سوسیال د مکرانها که در اقلیت بودند دامن همت بکمر زده بر تمام سختی ها و تمام فرق دیگر غالب شده مانع از انحلال وحدت آلمان و نشنت کلمه گردیده و در سایه فداکاری های آن حزب ملت آلمان مجدداً عظمت گذشته را از سر گرفت

چرا دور برویم پس از خاتمه جنگ عمومی آیا هیچ تصور میکردیم که یکبار دیگر ملت ترك در زمره ملل مستقله درآید؟ خیر بلکه خودی و بیگانه فاتحه استقلال آن مملکت را خوانده بودند ولی یکمده از وطن پرستان انملت که ایمان قوی نسبت بوطن و مملکت خویش داشتند بر روی مرام وطن پرستی بدرجه ای جان فشانی نمودند که تمام دشمن های قوی پنجه خویش را از ساحت وطن رانده استقلال ترکیه را بر پایه ای بسی محکم تر از سابق بنا نهادند اینها نمونه ای بود از تأثیر ایمان و عقیده ولی بدبختانه نمیدانیم در اثر چه تحولات و چه پیش آمدهائی بکلی ما فاقد این نعمت بی نظیر شده ایم و بعدی ما بهر چیز بی عقیده هستیم که تصور مینمائیم هیچ گاه ایمان و عقیده در دنیا وجود نداشته و آنچه در این باب گفته و نوشته شده است همه از روی عوام فریبی و خدعه و نیرنگ بوده است و شاید حتی نسبت بانبیاء نیز همین عقیده را داشته باشیم

بخاطر دارم روزی با یکی از آشنایان که دو دوره و کالت مجلس شورای ملی را هم کرده است در این باب صحبت‌هایی بمیان آمد ایشان با يك لهجه جدی که معلوم بود کاملاً بگفته های خود معتقدند اظهار داشتند که صحبت وطن ملت اینها همه در دنیا شعر است و بشر غیر از حرف نان حرف دیگری ندارد لنین ولورد کرزن و یوانکاره یا کاندی وزغلول پاشا و تمام اشخاصی که هیا هوی دورانها اشخاص زود باور مثل شما را فریب داده است همه

برای ناک تکاپو میکنند منتهی هر کدام صرفه خود را در يك رویه تشخیص داده اند.

هر قدر خواستم با دلایل و اسناد تاریخی اورا قانع نمایم که مردم دنیا علاوه بر نان بيك مبادی و اصول دیگری نیز معتقد هستند که در راه آن فدا کاری مینمایند و نان خود را نیز روی آن میگذارند و عده اشخاصی که مرك را بر ترك عقیده ترجیح داده اند شاهد آوردم نتوانستم اورا قانع نمایم بلکه در جوابم گفت آنها که بعقیده شما در راه عقیده جان داده اند نیز برای نان بوده و مثل آنها مثل غواصی است که برای طلب جوهر غوص مینماید ولی خود طعمه نهنگ میکردد. شاید تصور رود که تنها این شخص یا عده خیلی کمی این عقیده را دارند خیر میتوانیم بجزرات بگوئیم که امروز اکثریت ملت ما از آن قبیل اشخاص تشکیل میدهند که هیچ چیز جز نفع مادی خویش معتقد نیستند و تصور مینمایند که همه مردم دنیا نیز همینطورند بعقیده من هیچ چیز برای يك ملت از این فکر خطرناك تر نیست زیرا چنانسان که گفتیم تا اکثریت يك ملتی بيك مبدأ معین ایمان کامل نداشته باشند که در هنگام ضرورت با جان و مال از آن مبدأ دفاع نمایند چنین ملتی اگر تمام وسایل ظاهری تمدن را اقتباس نماید، دوام و ثبات آن محال است

۶۶۵

\*\*\*

فریضه عقلا و دانشمندان ایران است که با تمام قوا با این فکر یوچ که نمیدانم از کی در این مملکت شیوع یافته و از هر چیز برای جامعه ما خطرناك تر است مبارزه نمایند و تخم ایمان و عقیده در قلوب نونهالان وطن بکارند

و بنظر من برای ایجاد ایمان چند اقدام لازم است. اولاً باید متصدیان امور و قائدان افکار خود کاملاً پای بند گفته های خود بوده سر مشق عمومی بجامعه بدهند ثانیاً تبلیغ مستمر و دائمی از روی اصول منظم و صحیح و با دلایل واضح و جلی. و تصور مینمایم که ترجمه و نشر کتبی که

فدا کاری و جان فشانی اقوام دیگر را می‌رساند بیش از هر نوع تبلیغی مؤثر باشد سوم انتخاب معلمین صحیح و وطن پرست با عقیده برای مدارس خاصه مدارس متوسطه و عالی که کاملاً در اثناء درس و در ضمن صحبت اصول وطن پرستی و عقیده و ایمان بمحصلین تزییق نمایند

**از کار های شراب**

هنکامیکه ابوبکر بن سعد زنگی پادشاه معروف سلغری و ممدوح شیخ سعدی علیه الرحمه در گذشت پسرش سعد در دربار هلاکو در آذربایجان بود و سعد بن ابوبکر همینکه خبر مرگ پدر را شنید بر جناح استعجال بطرف شیراز حرکت کرد ولی قبل از ورود بشهر مریض شده و دارفانی را بدرود گفت ترکان خاتون همسر او که زنی بغایت زیبا و نیکو شمایل بود و اصالت رای با صباحت منظر و علو نسبت همراه داشت بنام پسر خود که طفلی شیر خوار بود باداره امور مملکت پرداخت و الحق خوب از عهده بر آمده و با نهایت رافت و مود و پیشش با مردم رفتار میکرد ولی طولی نکشید که پسرش زبام یرت شده و مرد. بنابراین شخص دیگری را معروف بمحمد بسطانت برداشتند و چون ترکان خاتون حرکات او را نپسندید وی را گرفته مقلولاً نزد هلاکو خان فرستاد و برادرش سلجوق را از حبس بیرون آورده شاه کرد و خود نیز بهمسری او راضی شد. پس از چندی سلجوقشاه در حال مستی امر کرد تا سر ترکان خاتون را از تن برداشتند و چون سر بریده را نزد او آوردند گوشواره آنرا چنان کشید که گوش ظریف و زیبای خاتون را پاره کرد و نزد مطربان انداخت. بعضی از صاحبمنصبان هلاکو خان در آن بزم طرب حضور داشتند و بران کار اعتراض کردند ولی خود نیز بترکان خاتون پیوستند و هلاکو خان از قضیه ترکان خاتون و کشته شدن صاحبمنصبان خودش آگاهی یافت نخست محمد برادر سلجوق را که نزد وی بود کشت و دو فوج نیز مأمور تنبیه سلجوقشاه کرد از آنطرف سلجوق نیز چون از حالت مستی باز آمد و فهمید که بدستور شراب چه کارهایی کرده بدون درنگ از شیراز فرار کرد ولی لشکریان هلاکو خان در کازرون بدو رسیده و بکیفر اعمال خود رسانیدند